آرمان ملی
armanmeli.ir
سال پنجم
شماره ۱۷۱۵
شنبه
۱۴۰۲•۰۹•۱۸
۲۵ جمادی‌الاول ۱۴۴۵ / ۰۹ دسامبر ۲۰۲۳

یادداشت

راه‌های تحقق مطالبه را فراهم کنیم

محمد فاضلی
استاد دانشگاه و پژوهشگر

خبر رسمی بروز تخلفی در مقیاس میلیارد دلاری در تخصیص ارز به واردات چای و فروش بخشی از ارز تخصیص‌یافته در بازار آزاد منتشر شده است. این گونه اخبار، نشانه بیماری‌های در نظام اقتصادی هستند، اما این گونه دردها، می‌توانند فرصتی برای اصلاح هم بشوند. اندکی به تجربه تاریخی بشر برگردیم: فرانسیس فوکویاما با شرح تاریخ اصلاحات اداری در بریتانیا و آمریکا، نشان می‌دهد که چند عامل در اصلاح نظام‌های حکمرانی مؤثر بوده‌اند: یک. جنبش‌های اجتماعی مرکب از نخبگان اصلاح‌جویی که خود نفعی در نظام ناسالم اداری نداشته‌اند و مصرانه برای اصلاحات، ائتلاف ساخته و مطالبه‌گری کرده‌اند. دو، طرح ایده‌های اصلاح‌جویانه مؤثر، ایده‌هایی که مسیرهای جایگزین برای ترتیبات نهادی و مناسبات ناسالم را پیشنهاد داده‌اند. سه، کنش‌ها و اقدامات سیاسی گروه‌های مختلف از شهروندان تا نخبگانی که اقدامات ضروری برای اصلاحات مؤثر را صورت‌بندی و مُصرّانه مطالبه کرده‌اند. چهار، سه عامل فوق را می‌توان با عامل «ایده و نظریه‌های مسئولان» تکمیل کرد. آن دسته مسئولانی که توانایی و عزم جزم ایده‌پردازی و اقدام برای اصلاحات داشته باشند، تأثیر می‌گذارند. همان قدر که ایده‌های اصلاح‌جویانه نخبگان بیرون از حکومت اهمیت دارند، ایده‌های حاکمان هم مهم است. اصلاحات نورث‌کوت- تریولیان در بریتانیا، یا اصلاحات پی‌آمد شکل‌گیری و عملکرد کمیسیون خدمات کشوری تحت هدایت تئودور روزولت در آمریکا، به علاوه ایده‌های فردی مثل وودرو ویلسون در آمریکا، قبل و بعد از رئیس‌جمهور شدن، مصادیقی از عامل‌های سوم و چهارم هستند. خبرهای منتشرشده درباره تخصیص ارز به چای و تخلفات صورت‌گرفته در آن، یکی از فرصت‌ها برای صورت‌بندی ترکیبی از ایده، کنش، مطالبه و اصرار برای اصلاح است. باید خواسته‌ای محدود (روشن شدن مسیر سیاستی- بوروکراتیک منجر به بروز تخلف بزرگ) را در دستورکار قرار داد و بر محور آن از دستگاه‌های مسئول، مطالبه کرد. باید ائتلاف‌هایی از نخبگان در تخصص‌های مرتبط، فعالان اقتصادی، رسانه‌ها، تشکل‌های اقتصادی و اجتماعی، و گروه‌های جامعه مدنی، صرفاً و صرفاً بر محور مطالبه روشن شدن ابعاد همین یک مسأله، فعالیت کنند. جامعه مدنی را باید بر محور مطالبه همین یک مورد، مخاطب قرار داد. اصرار و مقاومت نامحدود بر محور همین خواسته محدود (نه خواسته‌های کلی و در نقش تیر هوایی) راهبرد کنش ائتلاف و جامعه مدنی برای اصلاح باشد. توسعه دادن خواسته‌ها، فقط سبب بی‌اثر شدن می‌شود. کنشگران ائتلاف برای اصلاح به منظور از میان بردن زمینه‌های این گونه تخلفات، باید انواع راهکارهای حقوقی، کارزار (کمپین)، نامه‌نگاری، درخواست گزارش رسمی دولتی، کارزار رسانه‌ای و مطالبه مدنی برای روشن شدن ابعاد سیاسی، سیاستی و بوروکراتیک چنین تخلفاتی را دنبال کنند. حال این پرسش مطرح می‌شود که فواید این نوع مطالبه‌گری چیست که در پاسخ باید گفت: این شکل از مطالبه‌گری برای اصلاح حداقل دارای این فواید است: خواسته‌ای است که نظام سیاسی با پیگیری و انتشار خبر آن، نشانه‌ای از تمایل به مقابله با تخلف نشان داده است. حداقل بخش‌ها یا افرادی در حاکمیت سیاسی، اراده‌ای برای بررسی مسأله داشته‌اند. ده‌ها میلیون ایرانی با چنین مطالبه‌ای همدلی می‌کنند. هر گونه اصلاحات واقعی بر اثر پیگیری چنین مطالبه‌ای، سبب بهبودهای تدریجی در نظام حکمرانی و اثر مثبت بر زندگی ده‌ها میلیون انسان می‌شود. دنبال کردن این مسأله، مسیری برای ساختن ظرفیت اصلاح بر محور مسأله‌ای واقعی و به شدت مؤثر بر زندگی ده‌ها میلیون ایرانی است. کسی قادر نیست چنین مطالبه‌ای را به تقاضایی سیاسی، جناحی، نفع شخصی، ضدارزش بودن یا مقابله با نظام سیاسی تعبیر کند، مگر آنکه از پیگیری چنین مطالبه‌ای متضرر شود. ذینفعان در این تخلف، از پیگیری چنین مطالبه‌ای خشنود نمی‌شوند. چنین مطالبه‌ای، در نهایت مدنیت و دوری از خشونت است. مطالبه‌ای به غایت مسالمت‌آمیز که مطالبه ده‌ها میلیون انسان را به مدنی‌ترین شکل ممکن پیگیری می‌کند. به سرانجام رسیدن چنین مطالبه‌ای، الگویی برای تکرار مطالبات مدنی خشونت‌پرهیز برای اصلاحات مداوم منجر به اثر مثبت بر کیفیت زندگی میلیون‌ها ایرانی می‌شود و حاوی یادگیری اجتماعی عظیمی است.

نکته

محمد مهاجری:

اصولگراها دست پایداری را خوانده‌اند و دیگر منتظرش نمی‌مانند

انتخابات مجلس شورای اسلامی در پیش است و به نظر می‌رسد دوقطب انتخاباتی در این دوره جریان قالیباف و جریان پایداری باشد؛ در عین حال این احتمال هم وجود دارد که همچون دوره گذشته شب انتخابات این دو رقیب با هم بر سر شکل دادن ائتلاف انتخاباتی به توافق برسند. در این راستا یک فعال سیاسی اصولگرا درباره احتمال ائتلاف انتخاباتی پایداری و قالیباف گفت: آقای قالیباف در حال انجام فعالیت گسترده انتخاباتی است. نمایندگان ادوار را دعوت می‌کند، مجموعه مبنا را راه انداخت و آن را جلو می‌برد و یکسری فعالیت‌های دیگر را نیز در حوزه‌های دیگر انجام می‌دهد. محمد مهاجری افزود: آقای قالیباف همه آن کارها را انجام می‌دهد تا بدون نیاز به سایر گروه‌ها و جریانات اکثریت مجلس آینده را از آن خود کند. اگر او از کسب دو سوم کرسی‌های مجلس آینده مطمئن باشد دیگر وارد ائتلاف با هیچ گروهی نمی‌شود اما اگر از تحقق این هدف، دلواپسی داشته باشد حتی با جبهه پایداری ائتلاف خواهد کرد. این فعال مطبوعاتی درباره نگاه پایداری به محمدباقر قالیباف اظهار کرد: جریان پایداری هر وقت احساس کند منافع مادی و سیاسی اش بدون ائتلاف با سایر بازیگران می‌تواند به نتیجه برسد سعی می‌کند تا آخر تنهایی پیش برود اما اگر چنین برآوردی نداشته باشد پای میز ائتلاف می‌نشیند اتفاقی که در انتخابات مجلس سال ۹۸ افتاد و منجر به ائتلاف شب آخری با آقای قالیباف شد. این تحلیلگر مسائل سیاسی افزود: پایداری امروز تا چند روز مانده به انتخابات مجلس از هیچ تلاشی برای بر هم زدن بازی‌های انتخاباتی سایر جریانات فروگذار نخواهد کرد و همچون گذشته با دیگر بازیگران حالت طلبکارانه برخورد خواهد کرد، اما به نظر می‌رسد در این دوره سایر گروه‌های اصولگرا دست جبهه پایداری را خواندند و دیگر منتظر نمی‌مانند که پایداری‌ها دقیقه ۹۰ بخواهند بیایند و سهم خواهی‌شان را به آنها تحمیل کنند.

مصطفی اقلیما در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

عدم ساماندهی کودکان کار بزهکاری اجتماعی را افزایش می‌دهد

- قانون درباره کودکان کار به درستی اجرا نمی‌شود
- چالش مهم کودکان کار در ایران به خوبی درک نشده است
- کودکان کار در کشور متولی ندارد
- بیکاری یکی از عوامل اصلی افزایش کودکان کار است
- به خانواده‌های پرچالش رسیدگی نکرده‌ایم

آرمان ملی- احسان انصاری: کودکان کار یکی از چالش‌های اجتماعی جامعه است که زمینه‌ساز چالش‌هایی دیگر شده است. گسترش این پدیده به حدی است که جوامع توسعه یافته و در حال توسعه را به یک اندازه به خود مشغول کرده است. این در حالی است که عواملی مانند نارسایی نهادهای اجتماعی‌کننده‌ای مثل خانواده و مدرسه، فقر اقتصادی خانواده‌های کودکان خیابانی و ناتوانی آنها در انطباق با شیوه‌های زندگی شهرهای بزرگ، آلودگی و آسیب‌زا بودن محلات حاشیه شهری، فقدان نظارت کافی از سوی سازمان‌های مسئول و الگوهای نادرست کنش متقابل بین شهروندان و کودکان خیابانی، همه دست‌به‌دست هم داده‌اند تا پدیده کودکان خیابانی که عمدتا کودکان کار در خیابان هستند، کماکان به‌عنوان چالشی جدی در بسیاری از شهرهای بزرگ کشور خودنمایی کند. در این زمینه و برای تحلیل و بررسی ابعاد این موضوع «آرمان ملی» با دکتر مصطفی اقلیما، جامعه‌شناس گفت‌وگو کرده است. دکتر اقلیما معتقد است؛ «در واقع مهم‌ترین عوامل در بروز پدیده کودک خیابانی عبارت است از؛ عوامل اقتصادی، بدرفتاری پدر، ناسازگاری با پدر و مادر، اعتیاد پدر و مادر، بدرفتاری مادر، جاذبه‌های شهری، فرار از تنبیه، جدایی پدر و مادر و فرار از مدرسه. بررسی‌ها نشان می‌دهد که مهاجرت از عوامل اثرگذار در بروز این پدیده است. بزرگ‌ترین مشکل خانواده‌های این کودکان فقر اقتصادی بوده و گرایش خانواده به ارتکاب به جرایم ارتباطی معنادار با بروز و گسترش این پدیده ندارد. همچنین گرایش به بزهکاری و رفتارهای بزهکارانه به گونه حاد و برجسته در این کودکان دیده نمی‌شود. بعد خانوار به گونه‌ای معنادار در بروز پدیده کودک خیابانی مؤثر است و بسیاری از کودکان خیابانی در خانواده‌های بر جمعیت زندگی می‌کنند. در این سنین مهم‌ترین دگرگونی‌های عاطفی، شناختی و اجتماعی در فردرخ می‌دهد و شوربختانه این کودکان که سرمایه‌های ملی و ارزشمند جامعه‌اند به گژرفتاری و تباهی کشانده می‌شوند. از سوی دیگر نابسامانی‌های خانوادگی مانند جدایی پدر و مادر، اعتیاد آنان و وجود ناپدری و نامادری در خانواده از عوامل مؤثر در بروز این پدیده است. چگونگی رفتار پدر و مادر در خانواده و شیوه‌های تربیتی آنان نیز در بروز این پدیده مؤثر بوده و ناسازگاری با پدر و مادر از پیامدهای آن است. بدرفتاری پدر و بدرفتاری مادر و تنبیه شدن نیز می‌تواند اثری چشمگیر در بروز این پدیده داشته باشد به گونه‌ای که کودکان زندگی در خیابان را به زندگی در خانه و در میان خانواده ترجیح دهند.

کودکان خیابانی یکی از عوامل اصلی بزهکاری اجتماعی است. این وضعیت در ایران به چه صورت است؟

واقعیت این است که اکثر این کودکان در یک نگاه کلی در آستانه آسیب پذیری و رفتارهای ضد اجتماعی قرار دارند و بیشتر به ورطه بزهکاری می‌افتند. بسیاری از آنان برخی آسیب‌ها را تجربه کرده‌اند و به علت ارتکاب کارهای مجرمانه با پلیس و دیگر نیروهای نظارتی در گیر و سرانجام راهی زندان با کانون اصلاح و تربیت شده‌اند. در پژوهش‌های گوناگونی که در ایران انجام گرفته این کودکان به سه دسته تقسیم می‌شوند. کودکانی که در خیابان زندگی می‌کنند، کودکانی که از خانواده جدایند و شب‌ها در خیابان به سر می‌برند و کودکانی که در خیابان کار می‌کنند و امکان دسترسی به خانواده برای آنان وجود ندارد. کودکانی که با خانواده خود در خیابان به سر می‌برند و کار یا گدایی می‌کنند. بیشتر کودکان خیابانی نه بی‌خانمانند، نه بزهکار؛ بیشتر آنان کار می‌کنند بی‌آنکه از پشتیبانی لازم برخوردار باشند و در معرض خطرها و بهره‌کشی‌های کارگران خیابان، خیابانگردان، گدایان و بزهکاران گوناگون قرار دارند. این کودکان فرصت‌هایی بس اندک برای رشد و تکامل عاطفی، اجتماعی، آموزشی و اقتصادی دارند. کودکان خیابانی از هر گونه حمایت قانونی بی‌بهره‌اند. ارتباط محدود با خانواده با بریده شدن همیشگی این ارتباط از آنان بزه دیدگانی بالقوه می‌سازد و در بیشتر موارد قربانی جرایم خیابانی می‌شوند.

> برای این کودکان خیابان همچون خانه است و دیگر افراد خیابانی برای آنان جای خانواده را می‌گیرند. این کودکان یا سرپرستی ندارند یا در صورت داشتن خانواده به علت‌های گوناگون زندگی در خیابان را امن‌تر از زندگی در خانه می‌یابند کودکان رها یا طرد شده و کودکان فراری نیز گاه به عنوان گروهی جداگانه مطرح می‌شوند اما چون در بسیاری از موارد راه بازگشتی ندارند و در مدتی کوتاه به کودکان خیابانی تبدیل می‌شوند. در ایران کودکان خیابانی به دو گروه کلی ساکن و مهاجر تقسیم می‌شوند بیش از ۶۵ درصد از کودکان خیابانی تهران را مهاجران تشکیل می‌دهند

یکی از مسائلی که درباره کودکان کار مطرح می‌شود هدایت آنها توسط باندهای پشت پرده و باندی بودن این کودکان است. این مسائل به چه میزان با واقعیت همخوانی دارد؟

براساس تحقیقاتی که درباره کودکان کار در تهران صورت گرفته در بررسی پیشینه حضور کودکان خیابانی در باندها ۹۸درصد عضو باندی نبوده‌اند. از میان ۱۲ درصد کسانی که در باندها بیشینه داشته‌اند ۱۰ درصد کودکان بزهکار و ۲ درصد کودکان ولگرد بوده‌اند که با احتمال ۹۵ درصد میان دو گروه در این شاخص تفاوت معنادار به چشم می‌خورد. از لحاظ وضع تحصیلی ۴۱ درصد این کودکان بیسواد، ۳۹ درصد دارای سواد ابتدایی و ۱۲درصد دارای سوادی در حد راهنمایی هستند و تفاوتی معنادار در بررسی عوامل مؤثر در بروز پدیده کودک خیابانی میان این سه گروه در شاخص مواد مخدر دیده نمی‌شود. در زمینه شاخص انحراف جنسی ۹۶ درصد از کودکان خیابانی بیشینه انحراف جنسی نداشته‌اند و تنها ۴ درصد دارای بیشینه انحراف جنسی بوده‌اند. بدین سان تفاوتی معنادار میان این گروه‌ها وجود ندارد. در واقع مهم‌ترین عوامل در بروز پدیده کودک خیابانی عبارت است از عوامل اقتصادی، بدرفتاری پدر، ناسازگاری با پدر و مادر، اعتیاد پدر و مادر، بدرفتاری مادر، جاذبه‌های شهری، فرار از تنبیه، جدایی پدر و مادر و فرار از مدرسه. بررسی‌ها نشان می‌دهد که مهاجرت از عوامل اثرگذار در بروز این پدیده است. بزرگ‌ترین مشکل خانواده‌های این کودکان فقر اقتصادی بوده و گرایش خانواده به ارتکاب به جرایم ارتباطی معنادار با بروز و گسترش این پدیده ندارد. همچنین گرایش به بزهکاری و رفتارهای بزهکارانه به گونه حاد و برجسته در این کودکان دیده نمی‌شود. بعد خانوار به گونه‌ای معنادار در بروز پدیده کودک خیابانی مؤثر است و بسیاری از کودکان خیابانی در خانواده‌های بر جمعیت زندگی می‌کنند. در این سنین مهم‌ترین دگرگونی‌های عاطفی، شناختی و اجتماعی در فردرخ می‌دهد و شوربختانه این کودکان که سرمایه‌های ملی و ارزشمند جامعه‌اند به گژرفتاری و تباهی کشانده می‌شوند. از سوی دیگر نابسامانی‌های خانوادگی مانند جدایی پدر و مادر، اعتیاد آنان و وجود ناپدری و نامادری در خانواده از عوامل مؤثر در بروز این پدیده است. چگونگی رفتار پدر و مادر در خانواده و شیوه‌های تربیتی آنان نیز در بروز این پدیده مؤثر بوده و ناسازگاری با پدر و مادر از پیامدهای آن است. بدرفتاری پدر و بدرفتاری مادر و تنبیه شدن نیز می‌تواند اثری چشمگیر در بروز این پدیده داشته باشد به گونه‌ای که کودکان زندگی در خیابان را به زندگی در خانه و در میان خانواده ترجیح دهند.

با توجه به چالش‌های اجتماعی متعدد در ایران چگونه می‌توان به سمت ساماندهی کودکان کار حرکت کرد؟

بدون تردید خانواده این گونه کودکان باید از مددکاری اجتماعی مؤثر بهره‌مند شوند و مورد حمایت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی قرار گیرند. از سوی دیگر، باید زمینه‌های آموزش و پرورش این کودکان و همچنین زمینه بازگشت کودکان مهاجر جویای کار از تهران به شهر خودشان فراهم شود؛ باید برای پیشگیری از اعتیاد تلاش‌های کارساز صورت پذیرد؛ چون یکی از دلایل عمده بروز این پدیده ناسازگاری کودکان با پدر و مادر است. به همین دلیل باید راهکارهای تربیتی مؤثر و مناسب برای ایشان اندیشیده شود. همچنین لازم است زمینه‌های حقوقی برای پشتیبانی از این کودکان و به‌ویژه آن دسته که مورد کودک آزاری قرار گرفته‌اند فراهم گردد. نکته دیگر اینکه آثار طبقه اجتماعی و آشفتگی‌های خانوادگی در بروز این پدیده است. همچنین شیوه‌های تربیتی و رفتاری پدر و مادر نیز در بروز این پدیده مؤثر است. متأسفانه کار چندانی برای کودکان کار صورت نگرفته است و هیچ سازمانی متولی امور کودکان کار و خیابان نیست. زمانی مشکل کودکان کار حل می‌شود که علت روی آوردن آنها به کار بررسی شود؛ کودکی که نه والدینی دارد و نه سرپناه ناچار است کار کند. اگر کار تولید شود، مشکلات کودکان کار حل می‌شود؛ وقتی افراد شغل داشته باشند و درآمدشان کفاف زندگی‌شان را بدهد دیگر خانواده‌ها کمتر از هم می‌پاشند و افراد به سمت اعتیاد نمی‌روند. بنابراین دیگر کودک کار نخواهیم داشت. ریشه هر چیزی در کار و ریشه هر نابسامانی اجتماعی در نبود امنیت شغلی است. از سوی دیگر برای ریشه‌کنی معضل کودکان کار باید قوانین موجود کشور به درستی عمل کند. براساس مصوبات مجلس و قوانین موجود، در ساماندهی این افراد هیچ خلأ قانونی وجود ندارد. قانون با افرادی که از این مهاجران غیرقانونی استفاده غیرقانونی و در مواردی مانند کودکان کار از این کودکان به عنوان برده بهره‌کشی کنند برخورد قانونی و جدی می‌کند و مجلس نیز برای آن‌ها مجازات تعیین کرده است. همان قانونی که برای دیگر کشورها وجود دارد برای ما هم باید اجرا شود. دولت‌ها موظف هستند به خانواده‌ها کمک کنند. آمار بچه‌های کار گر ما و میزان ترک تحصیل آن‌ها بسیار بالاست؛ قانونی در دنیا وجود دارد که کودکان زیر ۱۸ سال نباید کار کنند. این قانون در کشور ما هم وجود دارد، اما مشکل این است که این قانون در کشور ما اجرا نمی‌شود.

> بیشتر کودکان خیابانی نه بی‌خانمانند، نه بزهکار؛ بیشتر آنان کار می‌کنند بی‌آنکه از پشتیبانی لازم برخوردار باشند و در معرض خطرها و بهره‌کشی‌های کارگران خیابان، خیابان‌گردان، گدایان و بزهکاران گوناگون قرار دارند. این کودکان فرصت‌هایی بس اندک برای رشد و تکامل عاطفی، اجتماعی، آموزشی و اقتصادی دارند. کودکان خیابانی از هر گونه حمایت قانونی بی‌بهره‌اند. ارتباط محدود با خانواده با بریده شدن همیشگی این ارتباط از آنان بزه دیدگانی بالقوه می‌سازد و در بیشتر موارد قربانی جرایم خیابانی می‌شوند

وضعیت نابهنجار کودکان خیابانی سال‌هاست به عنوان یک چالش اجتماعی در ایران وجود دارد. چرا تاکنون اقدام مناسبی برای عبور از این چالش صورت نگرفته است؟

کودکان خیابانی به عنوان معضلی اجتماعی که هم خود مصداق آسیب اجتماعی است و هم زمینه‌ساز افزایش و گسترش آسیب‌های اجتماعی در جوامع امروز مطرح است. دو ویژگی برجسته که در تعریف کودکان خیابانی بر آنها انگشت گذاشته می‌شود گدایی و ولگردی است که هر دو بیشینه‌ای به درازای تاریخ شهرنشینی دارد. این در حالی است که براساس تعریف یونیسف همه کودکانی که به سبب کمبود یا نبود نظارت پدر و مادر، دلبستگی به تحصیل و گذراندن اوقات در منزل ندارند و ناگزیر در خیابان‌ها کار و زندگی می‌کنند کودکان کار هستند. این کودکان در واقع کودکانی هستند که در پی درآمد برای خانواده در خیابان کار می‌کنند. میزان ارتباط این کودکان با خانواده متفاوت است و ممکن است این ارتباط روزانه یا حتی چند بار در سال باشد؛ اما به هر روی احساس وابستگی به خانواده در این کودکان وجود دارد. برای این کودکان خیابان همچون خانه است و دیگر افراد خیابانی برای آنان جای خانواده را می‌گیرند. این کودکان یا سرپرستی ندارند یا در صورت داشتن خانواده به علت‌های گوناگون زندگی در خیابان را امن‌تر از زندگی در خانه می‌یابند کودکان رها یا طرد شده و کودکان فراری نیز گاه به عنوان گروهی جداگانه مطرح می‌شوند اما چون در بسیاری از موارد راه بازگشتی ندارند و در مدتی کوتاه به کودکان خیابانی تبدیل می‌شوند. در ایران کودکان خیابانی به دو گروه کلی ساکن و مهاجر تقسیم می‌شوند بیش از ۶۵ درصد از کودکان خیابانی تهران را مهاجران تشکیل می‌دهند.

نگـــــاره

سفیر پیشین ایران در شوروی:

تهران و مسکو درباره پایان جنگ غزه اهداف مشترک ندارند

سفیر پیشین ایران در شوروی در مورد سفر رئیسی به مسکو گفت: به طور طبیعی رایزنی‌های ما با روسیه به طور مرتب در جریان است و علاوه بر مسائل دوجانبه قاعدتا موضوعات روز هم که یکی از مهم‌ترین‌های آن‌ها بحث غزه است، در دستور کار این دیدار بود، اما نه اینکه بتوانیم بحث خاصی را با روس‌ها در این رابطه داشته باشیم، با توجه به مواضع آمریکا، اسرائیل و حماس به نظر نمی‌رسد که روسیه بخواهد کار خاصی در مورد جنگ غزه انجام دهد. غیر از آنکه فقط یکسری مشورت و رایزنی در این مورد صورت بگیرد. وگرنه موضوعی که ما بتوانیم در قالب پایان دادن جنگ و ایجاد آتش‌بس یا ایجاد تحولاتی در آنجا، در مورد آن تبادل نظری داشته باشیم، نبوده است. نعمتا... ایزدی گفت: دلیل آن هم این است که روس‌ها مشکلات خاص خودشان را به ویژه درباره موضوع اوکراین دارند که خیلی نتوانستند در این رابطه فعال باشند همانطور که به نظر می‌رسید این دیدار بیشتر تمرکز روی مسائل دوجانبه داشت، به خصوص که الان آمریکایی‌ها محدودیت‌های جدیدی را در مواضع اقتصادی با ما دنبال می‌کنند و شاید با کمک روس‌ها بتوان زوایای جدیدی باز کرد برای اینکه تبادلات اقتصادی‌مان بیشتر شود و احیانا بتوانیم از کمک آنها استفاده کنیم. ضمنا وقتی مباحثی هم در این رابطه در شورای امنیت و سازمان ملل باشد، هماهنگی‌هایی صورت بگیرد. ایزدی در مورد احتمال طرح موضوع کریدور شمال به جنوب، در دیدارهای صورت گرفته گفت: در حال حاضر موضوع کریدور شمال به جنوب، دیگر از دستور کار دو کشور ایران و روسیه خارج شده و الان گزینه‌های دیگری که مطرح شده اما واقعیت این است که عملا اختیار از دست ایران و روسیه خارج شده است و چین طرح‌های جدیدی را دنبال می‌کند. مگر اینکه به این معنا بخواهیم بگوییم این طرح را بالا آورده و روی میز بگذارند که مقداری طرح‌های دیگر را با استفاده از مزیت‌هایی که برای آن تعریف می‌کنند، کمرنگ کنند. وی افزود: خود روسیه هم در حال حاضر در شرایطی نیست که بتواند خیلی درباره مباحث کلان اقتصادی صحبت کند؛ اگر هم صحبتی کند، خیلی نمی‌توان به آن اعتماد کرد. چون گرفتاری جدی روسیه الان در اوکراین است که به هیچ‌جایی نرسیده و شرایط پا در هوایی دارد که نتوانسته کامل تفوق پیدا کند و آمریکایی‌ها هم همچنان علیرغم جنگ غزه حمایت‌شان را از اوکراین برنداشته‌اند. بنابراین احتمال اینکه در رایزنی‌های خصوصی در این مورد صحبت شده باشد وجود دارد. این کارشناس مسائل بین‌الملل بیان کرد: : ما با روسیه سر جنگ اوکراین خیلی بحث خاصی نداریم. البته برداشت من این است که دولت ایران خیلی علاقه‌ای ندارد که صحبتی داشته باشد. می‌تواند صحبت‌هایی داشته باشد با توجه به اینکه روس‌ها در اعلام خبر درست استفاده از پهپادها یک مقدار خلف وعده داشتند. کاری که ما باید انجام دهیم این است که از آنچه غربی‌ها به ما می‌گویند اتهام‌زدایی کنیم و بنابراین نهایتا بتوان در دیدارهای خصوصی‌تر از روسیه گله کرد. اما در مورد اوکراین طرف حساب ما کشورهای دیگر، حامیان اوکراین و خود اوکراین است. در این حالتی که ایجاد شده ایران با کشورهای اروپایی به خاطر روسیه وارد نوعی اختلاف جدی شد. حداقل با خود روس‌ها که کار خاصی نمی‌توان کرد چون آنها کاری که نباید انجام بدهند را کردند و شاید فقط بتوان از آنها گلایه کرد. اما بیشتر باید اعتمادسازی بین ما و طرف‌های دیگر انجام شود که آن داستان دیگری است. ایزدی در پاسخ به این سوال که به نظر شما آیا روسیه به دنبال راهکاری برای پایان دادن به مسئله جنگ است، گفت: تحلیل‌ها می‌گوید هرقدر جنگ غزه طولانی‌تر شود، همچنان که از ابتدا اینطور بوده، در ادامه روسیه هم از آن بهره‌برداری می‌کند. چون روسیه در شرایط خاصی قرار گرفته که بخش زیادی از توجهات به جنگ اوکراین، معطوف به جنگ غزه شده و این فرصتی را برای روسیه ایجاد کرده است. من شخصا خیلی انگیزه‌ای برای روس‌ها متصور نیستم که علاقه داشته باشند که بتوانند برای خاتمه دادن به جنگ کاری کنند. اما ایران با توجه به شرایطی که وجود دارد از جهت کشتار مردم بی‌گناه که آمار آن واقعا بالا رفته است به دنبال توقف جنگ است. وی افزود: برداشت من این است که ایران و روسیه خیلی راحت نمی‌توانند در این خصوص با هم همکاری کنند چون اهداف‌شان متفاوت است. روس‌ها در این رابطه چیزی را از دست ندادند، روس‌ها نشان دادند که هیچ‌کدام از مسائل مورد توجه ما از جمله موضوع غزه چندان برای‌شان اهمیت ندارد و آنچه برای‌شان مهم است جنگ با اوکراین است که در این شرایط برای آنها ایجاد شده است. حتی در مباحث اقتصادی هم روس‌ها از تحریم‌هایی که در قبال ایران اعمال می‌شود، بهره‌برداری می‌کنند و آنها هم خودشان در حال تحریم هستند ولی شرایط‌شان با ما فرق دارد. روس‌ها نفت‌شان را می‌فروشند با توجه به داشتن اهداف مشترک، خیلی شرایط مناسبی نداریم که بتوانیم کار خاصی انجام دهیم.